

زنان کوچک

در سراسر جهان بیش از ۲۵۰ میلیون دختر زیر پانزده سال مجبور به ازدواج می‌شوند



UNICEF/عکس

در «تعداد»، آنها را به کمتر از ۷۰۰ میلیون نفر برسانیم، پیشرفت ما در این زمینه باید شتاب بیشتری داشته باشد. اگر میزان کاهش ازدواج کودکان در سه دهه گذشته را دو برابر کنیم، آنگاه تعداد کل زنان متأهل که در کودکی ازدواج می‌کنند، تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۵۷۰ میلیون نفر و تا سال ۲۰۵۰ به ۴۵۰ میلیون نفر کاهش خواهد یافت. می‌دانیم که چنین پیشرفتی ممکن است، چرا که نرخ کاهش ازدواج کودکان از سال ۲۰۰۰ تاکنون، سرعتی بیشتر از میانگین نرخ کاهش ازدواج کودکان در ۳ دهه گذشته داشته است.

شدیدترین سناریو در مورد کشورهای جنوب صحرای آفریقا باید اعمال شود. در آن‌جا حتی اگر سرعت پیشرفت فعلی حفظ شود، باز هم به اندازه کافی سریع نخواهد بود که رشد جمعیت را جبران کند. در آن‌جا، تعداد دخترچه‌های متأهل تا سال ۲۰۵۰، دو برابر خواهد شد و این منطقه حتی از جنوب آسیا، در داشتن بیشترین تعداد عروس‌های کوچک پیشی خواهد گرفت. در این منطقه حتی کاهش دو برابری نرخ ازدواج کودکان نیز به اندازه کافی نتیجه نخواهد داد.

انتظار می‌رود که در آفریقا، کشور نیجریه، دارای بیشترین تعداد دخترچه‌های عروس شده شود. این کشور، طی سه دهه گذشته، تنها کاهش یک‌درصدی را در نرخ ازدواج کودکان به خود دیده است. با این نرخ کاهش، تعداد دخترچه‌های متأهل تا سال ۲۰۵۰، دو برابر می‌شود.

در مقایسه با روند جهانی، برخی از کشورها، سطح ثابت یا حتی افزایشی در نرخ ازدواج کودکان را تجربه کرده‌اند. در بورکینا فاسو، در سه دهه گذشته، ازدواج کودکان در حدود ۵۰ درصد باقی مانده است. اگر این امر ادامه یابد، تعداد دخترچه‌های ازدواج کرده در سال‌های آینده، به‌طور چشمگیری، با افزایش جمعیت، افزایش خواهد یافت.

مطالعاتی که توسط بانک جهانی و مرکز بین‌المللی تحقیقات زنان صورت گرفته، نشان می‌دهد که پایان یافتن ازدواج کودکان می‌تواند با کم کردن رشد جمعیت و نجات جان میلیون‌ها زن جوان و فرزندانشان، بیش از ۴ هزار میلیارد دلار به اقتصاد جهانی اضافه کند. همچنین، دولت‌ها با پایان دادن به ازدواج کودکان، می‌توانند زنان را وارد چرخه تحصیل و یافتن شغل کنند که این امر موجب رشد و توسعه اقتصاد این کشورها می‌شود.

«سوزان پترونی»، مدیر ارشد مرکز بین‌المللی تحقیقات زنان می‌گوید که پایان دادن به ازدواج کودکان، یکی از اهداف توسعه پایدار است که توسط سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ تصویب شده است و منافع زیادی را برای دولت‌ها و جوامع به دنبال دارد. خانم پترونی می‌گوید: «یکی از مهمترین راه‌های موثر برای ایجاد تغییر، این است که به دولت‌ها و مردم آنها پیام‌رزم که ازدواج کودکان برای آنها و جامعه

امروز به ۱۶٫۵ میلیون نفر در سال ۲۰۳۰ و تا سال ۲۰۵۰ به ۱۸ میلیون نفر می‌رسد. (یعنی با وجود همین نرخ ازدواج کودکان، در سال ۲۰۵۰ هر ساله ۱۸ میلیون دخترچه زیر ۱۸ سال، ازدواج می‌کنند.)

به‌ر حال، ما می‌دانیم که پیشرفت در این زمینه، در طول ۳ دهه گذشته وجود داشته است. اگر همین نرخ کاهش ازدواج کودکان پایدار بماند، تعداد زنانی که در کودکی ازدواج می‌کنند، رو به کاهش می‌گردد؛ از ۳۳ درصد در سال ۱۹۸۵ به

فرزند دارند. عروس‌های کودک، همچنین در زمان بارداری، کمتر در معرض مراقبت‌های پزشکی مناسب قرار می‌گیرند. در کشورهایی مثل بنگلادش، اتیوپی، نیپال و نیجریه، زنانی که پس از بالغ شدن ازدواج کرده‌اند، نسبت به زنانی که پیش از ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند، بیش از دو برابر احتمال دارد که کودکانشان در شرایط مناسب و در مراکز بهداشتی متولد شوند. این مسئله، به اضافه این واقعیت که دخترانی که به لحاظ جسمی، کاملاً بسزای زایمان بالغ نشده‌اند، هم مادر و هم کودکانشان را در معرض خطر قرار می‌دهد.

چشم‌انداز

اما اینها که گذشت، برای نسل‌های آینده و آینده دخترهای امروز چه اندیشه‌دهی می‌کند؟ میان ۱٫۱ میلیارد دخترچه در جهان امروز، ۲۲ میلیون نفر ازدواج کرده‌اند. صدها میلیون نفر گرچه ازدواج نکرده‌اند، اما هنوز خطر ازدواج کودکان در کمین آنهاست و تعداد آنها بسا افزایش تعداد جمعیت، افزایش می‌یابد. چند سناریو محتمل در این‌جا می‌آید:

اگر هیچ‌گونه کاهش در نرخ ازدواج کودکان وجود نداشته باشد، بیش از ۲۸۰ میلیون دخترچه همین امروز در خطر تبدیل شدن به زنانی کوچک، آن هم پیش از سن ۱۸ سالگی هستند. براساس رشد جمعیت، این تعداد در سال ۲۰۵۰ به ۲۲۰ میلیون نفر می‌رسد. بنابراین، با وجود همین نرخ ازدواج کودکان، تعداد کل زنانی که در کودکی ازدواج می‌کنند تا سال ۲۰۳۰ از حدود ۷۰۰ میلیون نفر به حدود ۹۵۰ میلیون نفر و تا سال ۲۰۵۰، به حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر می‌رسد. تعداد دخترهایی که در هر سال، زیر ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند، از ۱۵ میلیون نفر

نسبت به مورد رابطه جنسی سالم و ایمن گفت‌وگو کنند، بنابراین آنها در طول بارداری‌های اولیه، در معرض عفونت‌ها و بیماری‌هایی نظیر اچ‌آی‌وی قرار می‌گیرند. فشار برای باردار شدن زن‌ها، پس از ازدواج افزایش می‌یابد و عروس‌های کودک غالباً در حالی که خودشان هنوز جوان هستند، باید از فرزندان زیادی مراقبت کنند. در نیپال، به‌عنوان مثال، بیش از یک‌سوم زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله که پیش از ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند، ۳ یا تعداد بیشتری فرزند دارند؛ در حالی که تنها یک‌درصد زنانی که به‌عنوان بالغ ازدواج کرده‌اند، این تعداد فرزند دارند.

عروس‌های کودک، همچنین در زمان بارداری، کمتر در معرض مراقبت‌های پزشکی مناسب قرار می‌گیرند. در کشورهایی مثل بنگلادش، اتیوپی، نیپال و نیجریه، زنانی که پس از بالغ شدن ازدواج کرده‌اند، نسبت به زنانی که پیش از ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند، بیش از دو برابر احتمال دارد که کودکانشان در شرایط مناسب و در مراکز بهداشتی متولد شوند. این مسئله، به اضافه این واقعیت که دخترانی که به لحاظ جسمی، کاملاً بسزای زایمان بالغ نشده‌اند، هم مادر و هم کودکانشان را در معرض خطر قرار می‌دهد.

ازدواج کودکان در جهان، به آرامی در حال کم‌شدن است و پیشرفت‌ها در مورد ازدواج دخترهای زیر ۱۵ سال بسیار چشمگیر بوده است. در اوایل دهه ۱۹۸۰، یک‌سوم از زنان جهان، در کودکی ازدواج می‌کردند. در حالی که امروز، این مقدار به یک زن در میان ۴ زن در سراسر جهان رسیده است. در همین مدت، نسبت زنان جوان که پیش از ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند، از ۱۲ درصد به ۸ درصد کاهش یافته است. اما پیشرفت‌ها در سراسر مناطق و در میان همه کشورها یکسان

سن ازدواج برای زنان در خانواده‌های مرفه، ۱۹٫۷ سال است، در حالی که متوسط سن ازدواج فقیرترین زنان در آن‌جا ۱۵٫۴ سال است. الگوی مشابه در جمهوری دومینیک نیز دیده می‌شود که در آن، حداقل نیمی از فقیرترین زنان در ۱۷ سالگی ازدواج می‌کنند، در حالی که در زنان ثروتمند، متوسط سن ازدواج به ۲۱ سال می‌رسد. در همه مناطق، دخترهایی که در بخش‌های روستایی زندگی می‌کنند، احتمال این که در کودکی ازدواج کنند، بیشتر از احتمال ازدواج هم‌پایانشان در مناطق شهری است. این تفاوت به‌ویژه در برخی از کشورها در غرب و مرکز آفریقا و همچنین در آمریکای لاتین و کارائیب بسیار مشهود است؛ جاهایی که ازدواج کودکان در مناطق روستایی، حدود ۲ برابر میزان مناطق شهری است.

تبعاتی برای یک عمر

دخترهایی که در کودکی ازدواج می‌کنند، نه‌تنها دوران کودکی‌شان را از دست می‌دهند، بلکه آنها غالباً به لحاظ اجتماعی، بسیار منزوی می‌شوند، از خانواده و دوستان و سایر منابع حمایتی جدا می‌شوند و فرصت‌های محدودی برای تحصیل و اشتغال‌شان باقی می‌ماند. خانواده‌ها معمولاً به‌طور مشترک در مورد تحصیل و ازدواج دخترانشان تصمیم می‌گیرند و در این میان، معمولاً تحصیل از میان می‌رود. بر این اساس، سطح پایین تحصیلات در میان زنانی که در دوران کودکی ازدواج کرده‌اند، یافت می‌شود. در مالاوی، به‌عنوان مثال، حدود دو‌سوم زنانی که آموزش رسمی ندیده‌اند، در کودکی ازدواج کرده‌اند؛ در مقابل، ۵ درصد زنانی که در کودکی ازدواج کرده‌اند، دارای تحصیلات متوسطه یا بیشتر بوده‌اند.

عروس‌های کودک، غالباً قادر نیستند به‌طور

مجتبی پارسل| هر ۲ ثانیه در دنیا، یک دخترچه، عروس می‌شود، اما دخترچه‌هایی که ۱۸ ساله یا کوچکتر هستند، هر گونه ازدواجی که پیش از ۱۸ سالگی باشد، «ازدواج در کودکی (Child marriage)» به‌شمار می‌آید. ازدواج در کودکی بر هر دوی پسران و دختران تأثیرات منفی می‌گذارد، هر چند غریب به اتفاق آنهایی که صدمه می‌بینند دختران‌اند. در سطح اتحادیه اروپا و سطح بین‌المللی، ازدواج کودکان یکی از شکل‌های ازدواج اجباری به‌شمار می‌رود و مصداق نقض حقوق بشر و نمونه‌ای از خشونت جنسیتی است. با این حال، همچنان در بسیاری از نقاط جهان، این امر اتفاق می‌افتد. ازدواج کودکان، جان دخترها و سلامت آنها را تهدید و آینده آنها را تخریب می‌کند.

وضعیت کنونی

در حال حاضر در سراسر جهان، بیش از ۷۰۰ میلیون زن هستند که پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند. بیش از یک‌سوم آنها (حدود ۲۵۰ میلیون نفر)، پیش از ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند.

گرچه ازدواج کودکان برای پسرها نیز اتفاق می‌افتد، اما این دخترها هستند که به‌طور نامتناسبی متأثر می‌شوند. به‌عنوان مثال در نیجریه ۷۷ درصد از زنان ۲۰ تا ۴۹ ساله، پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند؛ در مقابل، تنها ۵۵ درصد مردها در همین گروه سنی، پیش از ۱۸ سالگی متأهل شده‌اند. حتی در کشورهایی که ازدواج کودکان در آن‌جا کمتر مرسوم است، این اختلاف میان تعداد دخترها و پسرها مشهود است. به‌عنوان مثال در جمهوری مالدیو، ۱۵ درصد از زنان ۲۰ تا ۴۹ ساله، پیش از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند؛ در حالی که تنها ۲ درصد از مردها در بازه سنی مشابه، پیش از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند. علاوه بر این، غالباً با مردهایی مسن‌تر ازدواج می‌کنند. در موریتانی و نیجریه، بیش از نیمی از دخترهای نوجوان ۱۵ تا ۱۹ ساله که در حال حاضر متأهل هستند، شوهرهایی دارند که ۱۰ سال یا بیشتر از آنها سن دارند. ازدواج کودکان نشان‌دهنده نابرابری جنسیتی است که این خود نمایانگر هنجارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز علیه دخترهاست.

ازدواج کودکان در میان دخترها در کشورهای جنوب آسیا و جنوب صحرای آفریقا، بیش از هر جای دیگری رایج است. همچنین ۱۰ کشور دارای بیشترین میزان ازدواج کودکان در این دو منطقه قرار دارند. نیجریه دارای بالاترین میزان کلی ازدواج کودکان در جهان است، با این حال، بنگلادش نیز دارای بالاترین نرخ ازدواج دخترهای زیر ۱۵ سال است. جنوب آسیا محل استقرار تقریباً نیمی از (۴۲ درصد) از همه دخترچه‌های عروس شده در سراسر جهان است. هند به تنهایی دارای یک‌سوم این کودکان متأهل در جهان است.

نه‌تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در کشورهای توسعه‌یافته نیز ازدواج کودکان وجود دارد. ایالات متحده آمریکا، یکی از این کشورهاست. همچنان در برخی از ایالات این کشور، قانونی برای منع افراد جهت ازدواج با دخترهای زیر ۱۸ سال وجود ندارد. در ایالت آلاباما، هم‌اکنون سن قانونی برای ازدواج دخترها، ۱۶ سال است. با این حال، مردها می‌توانند با داشتن رضایت والدین دختر، با او ازدواج کنند.

چنین ازدواج‌هایی معمولاً در جوامع سنتی و محافظه‌کار آمریکا اتفاق می‌افتد. سال ۲۰۰۰ در آمریکا بیش از ۲۳ هزار ازدواج دخترچه‌های زیر ۱۸ سال ثبت شده است. در سال ۲۰۱۰ این تعداد کمی کاهش یافت و به حدود ۹ هزار دخترچه رسید. ویرجینیا، تگزاس و نیویورک در سال‌های گذشته قانونی را برای محدود کردن این ازدواج‌ها تصویب کردند. در ایالت کانتیکات، سن قانونی ازدواج ۱۶ سال است. با این اوصاف، همچنان در آمریکا، در سال‌های میان ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، بیش از ۲۰۷ هزار ازدواج کودکان ثبت شده است؛ بیش از دو‌سوم آنها ۱۷ ساله و ۹۸۵ نفر ۱۴ ساله بوده‌اند، اما ۱۰ نفر نیز فقط ۱۲ سال داشته‌اند.

دیده‌بان حقوق بشر و سایر فعالان حقوق بشری، در همه کشورها، در حال مبارزه برای ممنوعیت قانونی ازدواج کودکان هستند. آنها تلاش می‌کنند سن قانونی ازدواج را بدون هیچ استثنایی به ۱۸ سال برسانند.

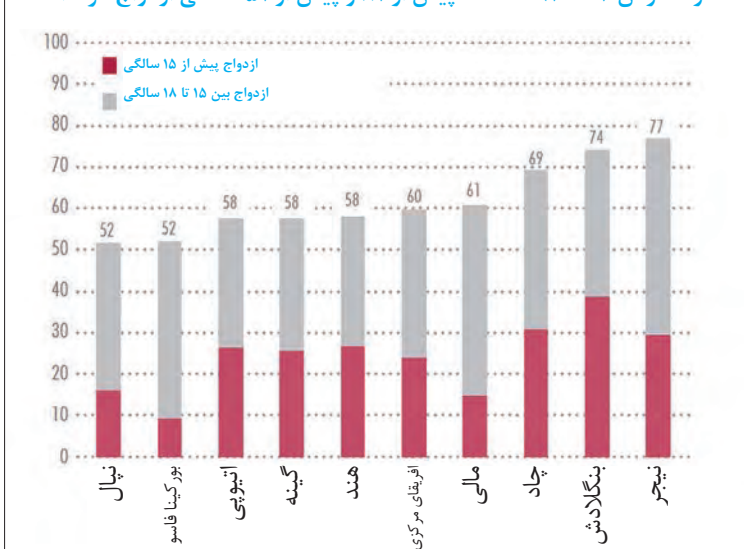
بیشترین خطر برای دخترهاست

حتی در داخل یک کشور هم همه دخترها، به‌طور یکسان با خطر ازدواج کودکان روبه‌رو نیستند. در اتیوپی، در ایالت شمالی «آمهرا»، نرخ ازدواج کودکان (۷۵ درصد)، ۳ برابر بیشتر از ازدواج کودکان همچنین در میان گروه‌های جمعیتی خاص، رایج‌تر است. به‌عنوان مثال در صربستان، ۸ درصد از کل زنان ازدواج کرده، در زمان ازدواج، کودک بوده‌اند؛ با این حال، میزان ازدواج کودکان در میان زنان جوامع روما (Roma) -یک گروه قومی سنتی- به بیش از نیمی از جمعیت آنها (۵۴ درصد) می‌رسد.

از سوی دیگر، شکاف قابل ملاحظه‌ای در مورد ازدواج کودکان در میان افراد فقیر و ثروتمند وجود دارد. زنان در میان گروه‌های جمعیتی فقیر، نسبت به گروه‌های ثروتمند، ۲٫۵ برابر بیشتر در معرض ازدواج در کودکی هستند. این تفاوت خصوصاً در کشورهای خاصی دیده می‌شود. در هند، متوسط

۱۰ کشور با بالاترین نرخ ازدواج کودکان

درصد زنان ۰۲ تا ۹۴ ساله که پیش از ۱۸ و پیش از ۵۱ سالگی ازدواج کرده‌اند



در سطح جهانی، میزان ازدواج کودکان در حال کاهش است، خصوصاً ازدواج دخترهای زیر ۱۵ سال

درصد دخترهای ۲۰ تا ۲۴ ساله که پیش از ۱۵ سالگی و پیش از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند

